

اصول ترجمه‌ی حقوقی

دبرا کائو

ترجمان

دکتر محمد عباس نژاد

سعید افروز

دبیر مجموعه

دکتر فرزانه فرحزاد

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Translating Law

Deborah Cao

Cao, Deborah

کائو، دبرا، ۱۹۶۲ - ۲

اسول ترجمه‌ی حقوقی / دبرا کائو؛ مترجمان دکتر محمد

عباس نژاد، سعید افزون

بران: بر قطر، ۱۳۹۶

۱۳۵۲

سلسله انتشارات - ۱۹۰۰ - زبان و زبان‌شناسی - ۲۸. مطالعات

ترجمه - ۱۳

۵ - ۹۳۲ - ۱۱۹ - ۶۰۰ - ۱۸

فیا

Translating Law, 2007

کتاب‌نامه

حقوق - ترجمه

Law-Translating

حقوق - زبان

Law-Language

حقوق - تفسیر و استنباط

Law-Interpretation and Construction

عباس نژاد، محمد، ۱۳۴۱ - ، مترجم

افزون، سعید، ۱۳۶۹ - ، مترجم

۱۳۹۶ الف ۲ ک / ۲۳۱ K

۳۴۰

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۴۵۸۱۲۷۰

ISBN: 978-600-119-932-5

شابک: ۵ - ۹۳۲ - ۱۱۹ - ۶۰۰ - ۹۷۸



اصول ترجمه‌ی حقوقی

دبرا کائو

مترجمان: دکتر محمد عباس نژاد* - سعید افزون

دبیر مجموعه: دکتر فرزانه فرحزاد

صفحه‌آرا: ژیلای پی سخن

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۶

باز: دیجیتال نقش

تیراژ: ۱۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

* عضو هیئت علمی، دانشگاه باهن کرمان

استفاده از این اثر، به هر روشی،

بدون اجازه ممنوع است.

خیابان دکتر فاطمی، خیابان شیخ‌لر (ششم)، کوچه‌ی بنفشه، پلاک ۸

تلفن: ۳-۵۱ ۳۳ ۸۸ ۹۷

دورنگار: ۸۹ ۹۶ ۸۸ ۹۶

کد پستی: ۱۴۱۵۶۷۲۳۱۳

www.nashreghatreh.com

info@nashreghatreh.com

nashr.ghatreh@yahoo.com

Printed in the Islamic Republic of Iran

فهرست

۷	معرفی مجموعه
۹	پیشگفتار به قلم: قاضی مایکل اریو
۱۵	دبیاچه
۱۷	قدردانی
۲۱	فصل اول: مقدمه
۳۱	فصل دوم: قانون، زبان و ترجمه
۸۵	فصل سوم: مترجم حقوقی
۱۰۹	فصل چهارم: موضوعات مرتبط با اصطلاح‌شناسی حقوقی
۱۶۱	فصل پنجم: ترجمه‌ی اسناد حقوقی خصوصی
۱۹۱	فصل ششم: ترجمه‌ی قوانین داخلی
۲۴۷	فصل هفتم: ترجمه‌ی اسناد حقوقی بین‌المللی
۲۹۵	منابع فارسی
۲۹۷	منابع انگلیسی
۳۴۵	واژه‌نامه

پیشگفتار

فصل: قاضی مایکل کاربی^۱

بنده همانند بسیاری از وکلای قضات، تاکنون بیش‌تر وقت خود را صرف معانی مبهم کلمه‌های حقوقی کردم. این کارها ممکن است در تشکیلات ملی یا زیرمجموعه‌های آن‌ها وجود داشته باشند، علاوه بر این ممکن است در قانون‌گذاری‌های محلی و یا در استدلال‌های حقوقی که برای تفسیر قانون عرفی، طی قرن‌ها نوشته شده است، ظاهر شوند.

ما حتی اگر با نمونه‌های آشنای متون حقوقی، که به زبان مادری‌مان نوشته شده‌اند و با مفاهیمی که شناخته شده و مورد قبول هستند، هم‌کار داشته باشیم، باز هم معمولاً درک معنی چنین متونی برای‌مان سخت است. در این مورد نباید شگفت‌زده شویم. فقط در پاپوا گینه‌نو^۲ تنوع زبانی زیار با وجود گویش وجود دارد.

زبان‌ها از لحاظ منشأ، تفاوت زیادی با هم دارند. تنوع فردی و گروهی در

1. Michael Kirby

2. Papua New-Guinea

این خصوص اجتناب‌ناپذیر است. توانایی انسان‌ها در انتقال معانی به یک‌دیگر، معجزه‌ای بزرگ محسوب می‌شود. نکته‌ی شگفت‌انگیز این است که مفاهیم پیچیده‌ای هم‌چون اخلاق، علم و فن‌آوری، به صداهای کلامی و قطعات کوچک‌تر کلمه، جمله، بند و فصل تبدیل می‌شوند. نکته‌ی جالب دیگر این است که افراد یک جامعه‌ی زبانی، می‌توانند تا حدی به راحتی با یک‌دیگر ارتباط برقرار کنند و جریان کلی فکری یک‌دیگر را درک کنند، ایشان در واقع سیناپس‌های (محل تماس دو عصب) مغزی خود را با استفاده از ابزار زبان یک‌دیگر مرتبط می‌کنند.

مبحث «ارتباط» نام دارد، امری که ممکن است به آن توجه نشود «ارتباط». فهرم، است که همه با آن آشنا هستند، زیرا از دوران کودکی آن را تجربه می‌کنند. مفهوم «ارتباط» به این دلیل مورد توجه واقع نمی‌شود که نیاز به کشف ندارد؛ زیرا سال‌های اولیه زندگی، کودکان به زبانی صحبت می‌کنند که با زبان اصلی والدشان نیز، تفاوت است. کودکان تلاش می‌کنند که از موانع زبانی عبور کنند؛ پس در شگفت‌انگیز است که آن‌ها در برخی مواقع، بدون صحبت کردن، به چیز، خیر می‌شوند تا آن را درک کنند. چگونه است که انسان‌ها نمی‌توانند مطالب سرگشته‌ی را که به یک‌دیگر می‌گویند، درک کنند؟ چرا همه به زبان انگلیسی صحبت نمی‌کنند؟

نباید به این سؤال‌ها خندید. بنده زمانی را به یاد می‌آورم که قضات و وکلا، کلاه‌گیس بر سر داشتند و فکر می‌کردند که می‌توانند مفاهیم را با زیاد زدن بر سر افرادی که از مناطق دیگری با فرهنگ‌های متفاوت به استرالیا آمده بودند، انتقال دهند. آن‌ها معتقد بودند که اگر بلند صحبت کنند، این افراد زبان انگلیسی را همانند افراد انگلیسی زبان، متوجه خواهند شد. استرالیایی‌ها کم‌کم متوجه شدند که افراد زیادی به زبانی غیر از انگلیسی صحبت می‌کنند، و زبان انگلیسی، زبانی درون‌قاره‌ای است که کم‌تر در دنیا استفاده می‌شود.

در دهه‌ی ۱۹۶۰ اندک اندک، با از میان رفتن این ابهام، قضات و وکلا به

اهمیت ترجمه پی بردند. و هم‌چنین به خطرات و مشکلات موجود در ترجمه (خطرات و مشکلاتی که این کتاب به آن‌ها می‌پردازد) اشراف یافتند. هم‌چنین با افزایش تجربه در زمینه‌ی ترجمه این مطلب را فرا خواهیم گرفت که، انتقال کلمه‌ها، جمله‌ها و نظریه‌ها به زبانی دیگر، فعالیتی مکانیکی [غیرفکری] نیست. زبان انگلیسی همانند هر زبان دیگری، مملو از اصطلاحات، جمله‌های عامیانه، استعاره‌ها و آرایه‌های ادبی زیبایی است که مفهوم آن‌ها به سختی به زبان دیگر منتقل می‌شود. درخواست قاضی ویا وکیل دادگاه، از مترجم مبنی بر این که «ان چه را شاهد می‌گویند، ترجمه کنید»، نگاه خیره و محنت‌بار مترجم به قاضی ادبی خواهد داشت. گاهی اوقات، مترجم از جای خود برمی‌خیزد و با پافشاری بان می‌داند که اگر سؤال نپرسد و شفاف‌سازی نکند، به معنی دقیق پی نخواهد برد و نتیجه‌ی دقیقی انجام نخواهد شد.

ما دقیقاً، زمانی را مواجه شدیم، کلمه‌ها در بافت حقوقی، معنی خاصی پیدا می‌کنند، با ابهام دیحری در ترجمه‌ی حقوقی مواجه شدیم که دکتر کانو در کتاب عالی خود به آن پرداخته است. طی پنجاه سال گذشته، مسافرت‌ها و ارتباطات بین‌المللی، به میزان زیادی افزایش یافته است. در سال ۱۹۵۰ میزان افزایش این ارتباطات به اوج خود رسید. بخشی از آن به دلیل گسترش فیزیکی سفرها، در نتیجه‌ی پیشرفت فن‌آوری هواپیماهای تحت غیرنظامی بود. اما بخش دیگر به دلیل گسترش ارتباطات از راه دور، اختراعات اینترنت، گسترش فضای سایبری و ارتباط الکترونیکی انسان در هر قسمت از سیاحت به خارج از جو زمین بود.

بنابراین، این نوع ارتباطات متقابل، نوعی کلام و سروصدای را که غیرقابل درک نبود، بلکه پلی بر روی خلیج تفاوت‌های زبانی بود. در نتیجه، نیاز به ترجمه‌ی واژگان، از فضای دادگاه فراتر رفت و وارد اقتصاد جهانی، معاهدات بین‌المللی، موافقت‌نامه‌ها و دادوستدهای جوامع مختلف شد و ارتباطی نزدیک‌تر بین جوامع برقرار کرد.

همان‌گونه که دکتر کانو اشاره می‌کند، کانادا از زمان هم‌پیمانی‌اش و حتی مدتی پیش از آن، مجبور شد که ویژگی دوزبانه بودنش را با قوانین و عرف تطبیق دهد. احکام و قوانین این کشور به بیانی دقیق و درعین حال مختصر و به دوزبان انگلیسی و فرانسه تدوین شد. بیان مفاهیم حقوقی به زبانی دیگر، تا حدودی سخت بود و سخت‌تر از آن، این بود که تمام مفهوم یک دیدگاه حقوقی فقط در یک واژه‌ی واحد نمود پیدا می‌کرد. یک مثال خوب، استفاده از کلمه‌ی انگلیسی «Court» (دادگاه) در قانون فدرال کانادا است. آیا کلمه‌ی مزبور هم‌معنی «Cour» یا «Tribunal»^۱ در زبان فرانسه است؟ آیا «کمیسیون حقوق بشر» که زبان انگلیسی آن را به عنوان نوعی دادگاه (Court) نمی‌شناسد ولی زبان فرانسه آن را «Tribunal» (دیوان) می‌شناسد، با توجه به نقش تصمیم‌گیر، ریژه،^۲ این کمیسیون، می‌تواند به عنوان دادگاه (court) یا دیوان (Tribunal) نقش علی‌الحاقی داشته باشد؟

به گفته‌ی دکتر کانو، سیر جوامع دوزبانه یا چندزبانه، هم‌اکنون همان راهی را پیش‌رو دارند که کانادا پس از یک قرن پیش آن را پیموده است. برای مثال در هنگ‌کنگ احکام هم به زبان چینی و هم به زبان انگلیسی و با اعتبار یکسانی وجود دارند. در این میان، تفاوت‌هایی که به دلیل وجود معانی مختلف، حاصل از متون اصلی ایجاد می‌شود، اداری، اجتناب‌ناپذیر است. تطبیق نقش متون حقوقی امر مهمی است. در دادگاه تجدید نظر نشان داده که مشکلات در این زمینه بسیار جزئی بوده و اختلاف در بعضی موارد فقط بر سر کلمه‌ای خاص بوده است؛ گرچه در بافت حقوقی، از آن‌جا که کلمه یک معنی خاصی دارند، اختلاف‌ها به مراتب بیش‌تر می‌شوند.

حتی در زبان انگلیسی که دارای مرزهای دقیقی است، نیز می‌توان چنین اختلاف‌نظرهایی را در تصمیم‌گیری دادگاه مشاهده کرد. اخیراً در دادگاه عالی

۱. کلمه‌ی court در فارسی به معنی «دادگاه» است و کلمه‌ی Tribunal معمولاً به «دیوان» ترجمه می‌شود.

استرالیا بحث بر سر واژه‌ی «Pawn» (رهن، وثیقه) در احکام دولتی بالا گرفته بود. سؤال اصلی این بود که آیا این واژه، در معنای عمومی خود، به فعالیت بدخواهانه‌ی بنگاه کارگشایی که خود دولت را نیز دربرمی‌گیرد، اشاره دارد؟ یا کلمه‌ای است که نشان‌دهنده‌ی معنای تخصصی و فنی خاصی است. اکثر افراد با دیدگاه دوم موافق‌اند؛ اما من نظر اول را ترجیح می‌دهم. (برای بررسی این موضوع به پرونده‌ی 221 (2005) Palgo Holdings Pty Ltd v Gowans CLR 249 264-266 [35] [41] مراجعه کنید.) مجلس به سرعت این قانون را رد کرد. رأی غلبه با دیدگاه اکثریت اصلاح کرد؛ اما وقتی که مترجم برای درک اصطلاح یا واژه‌ی از نظری خارج از فضای فرهنگ حقوقی، بدان می‌نگرد، مشکلاتی این قیل، چه اندازه قابل حل است؟

دکتر کانو بر اساس تجربه‌ی شخصی و زندگی در خانواده‌ای که درگیر چنین مشکلاتی بوده، مدتی با تجربه در رابطه با چالش‌ها و پیچیدگی‌های ترجمه‌ی متون حقوقی است. در واقع، بی‌زندگی خود را صرف تفکر درباره‌ی چنین مشکلاتی کرده است. از آن جهت ما بسیار خوش‌شانس هستیم که وی به تحلیل چنین مشکلاتی پرداخته و آن‌ها را در کتاب خود جمع‌آوری و مثال‌های جذاب بسیاری در این خصوص ارائه کرده است. وی این کار را با استناد به اسناد حقوق خصوصی، داخلی و بین‌المللی انجام داده است. آن‌جا که دنیا در حال تحول است، به پل ارتباطی زبانی نیاز دارد تا متضمن این گسترش باشد. امروزه ضرورت چنین پل‌هایی در درون و بین حوزه‌های حقوقی به شدت احساس می‌شود. گرچه می‌توان این پل‌ها را ساخت ولی به سختی می‌توان از فرهنگ، صلح، درک و احترام متقابل صیانت کرد.

حقوق نقشی اساسی در تقویت ارتباط بین ملت‌ها دارد. ایجاد اصول روابط بین‌المللی، چالش بزرگی برای قرن ۲۱ است. ما، اگر فقط با خودمان صحبت کنیم و درون مرزهای حوزه‌های قضایی و گروه‌های زبانی خود باقی بمانیم، به چنین هدفی دست نخواهیم یافت، بنابراین باید مرزهای زبانی را

درنورددیم و در این مسیر به مترجمان متخصص نیاز داریم و همان‌گونه که دکتر کائوبیان می‌کند باید آماده باشیم تا از موانعی که تاریخ، فرهنگ و نهادها ایجاد می‌کنند، عبور کنیم. باید امیدوار باشیم، وقتی که پلی برای درک مشترک ساخته شد، انسان‌ها می‌توانند با یک‌دیگر ارتباط برقرار کنند. حقوق نقش ارزنده‌ای در رسیدن به این هدف ایفا می‌کند. از این رو کتاب پیش‌رو به مشکلات بزرگ حقوق و حیات بشر بر روی کره‌ی زمین اشاره دارد این جانب خواندن کتاب دکتر کائور را به همه توصیه می‌کنم.

باید ما مشکلات ترجمه‌ی حقوقی را مربوط به مترجمان دانست. باید کار مترجمان مورد تقدیر و احترام واقع شود زیرا همان‌طور که در این کتاب خواهیم دید، آنان نقش حساسی برعهده دارند و با چالش‌های بسیاری روبه‌رو هستند.

مایکل کاربی

دادگاه عالی استرالیا

کانبرا، فوریه ۲۰۰۷